

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده بک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

زکاتِ حُسن

به تو تمکین و صفا میزبید
عشوه و ناز و ادا میزبید
مرکز مهر و وفایی، صنما
کَمکی، جور و جفا میزبید
گهی دل بردن و گه، دل دادن
مهربانی و سخا میزبید
شام گردید و همه منتظرند
حُکم افطار، ترا میزبید
گرهلال رخ تو، روزه شکن
به همه دین، بقا میزبید
به تو زکاتِ حُسن، فرض شده
که مرا، نامِ گدا میزبید
رمضان آمد و رفت، عید رسید
عیدی برما، فقرا میزبید
دست من در طلب تحفه دراز
خیر و خیرات شما میزبید
شب عیدست و ز خون دل من
به دو دست تو، حنا میزبید
روژه هموطنان، باد قبول
ز منت، صرف، دعا میزبید
حال از شاعر گستاخ، شنو
یادی از کرب و بلا میزبید

ای الاهی! به من الهام فرست
 بر ملا، ریب و ریامیزید
 جمعی بنشسته پی (فند ریزنگ)
 لقبی، شیخ و ملا میزید
 ده لک و قرضه با سود ز بانک
 جمع، بی چون و چرا میزید
 کش و چک ایورو و هم دالر و پوند
 نیم آن کرده هوا میزید
 وای بر تاجر و، بر تاجر ها
 ز ره دین، ربامیزید
 بیوه زن، نان ندارد به وطن
 سنگ مسجد ز طلا میزید
 خون دل میچکد از چشم یتیم
 سر و جانم، به فدا میزید
 نه شفاخانه و نه مدرسه ای
 دانش و علم، فنا میزید
 ای برادر، کمی انصاف نما
 ترک هر گونه دغا میزید
 ز ره دین، تجارت تاکی
 به شما، قهر خدا میزید
 علما! حرف مرا گوش کنید
 ترسی از روز جزا میزید
 زائر دل شده اعمار کنید
 خانه ای در دوسرا میزید
 « نعمتا » نقد، به امر علما
 حلقه دار، ترا میزید

(30 سپتمبر 2008)